

سخنی در زندگی.

هرچه یاس بیاورد از توقعات زیادی است ما هر چه امید وارتر باشیم توقعاتِ ما هم کمتر می‌شود. بودا شاهزاده بود، راه کرد و روشن شد و بودا یعنی روشن شده. رنج از خواستن است و رنج نبردن هم از نخواستن است اگر اقتاع پیشه کنید خواسته‌ها خودشان می‌آیند هر نیازی یک طلبکار است. این استغناست. استغنا یعنی از ریشه نیازها را ارزش‌گذاری کنید. خود شناسی یعنی نیاز شناسی قناعت بی نیاز می‌کند. امید سر چشمِ نیاز است وقطع امید هم موجب رنج است

وقتی با خودی بدان معنی است که ذلیلی، بازنه‌ای اما وقتی بیخودی پهلوانی شجاعی

آن نفسی که با خودی، یار چو خار آیدت – وان نفسی که بیخودی، یار چه کار آیدت؟

آن نفسی که با خودی، خود تو شکار پشه‌ای – وان نفسی که بی خودی، پیل شکار آیدت.

وقتی با خودی و هشیاری خودرا در گیر می‌کنی و ذلیل می‌شوی و شکار پشه می‌شوی اما وقتی بی خودی و توقعی نیست پیل هم شکار تو می‌شود.

آن نفسی که با خودی، بسته ابر غصه‌ای – وان نفسی که بی خودی، مه به کنار آیدت.

با خود بودن و به خود پرداختن غصه می‌آورد اما در بی خودی ماه به آغوشت می‌اید مولانا، از خودی و بی خودی بسیار سخن دارد. با خود یعنی پر از خود حتی اگر خود کاذب هم باشد باز همه خود را در بر نمیگیرد ما چندین خود داریم مولانا می‌گوید که هزاران من و ما دارم.